

مقالات (۱۰۶)



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

سلاح گرسنگی

از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه

نورالدین اعرج | ترجمه: واحد ترجمه متین



سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه

بحران انسانی فزاینده در نوار غزه، نمونه‌ی معاصر از به‌کارگیری محاصره اقتصادی و محرومیت از منابع اولیه به‌عنوان ابزاری در درگیری‌های امروزی است.

در سایه جنگی که از اکتبر ۲۰۲۳ ادامه دارد، سازوکارهای توزیع کمک‌های بشردوستانه از ابزاری صرفاً برای امداد رسانی، به محورهایی اساسی برای تعیین الگوهای بقای روزمره بیش از دو میلیون فلسطینی محاصره‌شده تبدیل شده است.

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

نحوه توزیع کمک‌ها در عمل نشان می‌دهد که این موضوع، فراتر از یک مسئله انسانی است و اسرائیل از نیازهای اساسی مردم برای تأمین امنیت و حفظ سلطه خود بهره می‌برد.

اما آنچه امروز در غزه رخ می‌دهد، از یک محاصره غذایی سنتی در زمان جنگ فراتر رفته است. صحنه عمیق‌تر و پیچیده‌تر به نظر می‌رسد و تحت کنترل یک سیستم یکپارچه است که از گرسنگی به عنوان ابزاری سیاسی برای درهم شکستن اراده یک ملت استفاده می‌کند؛ گامی نخست در جهت کوچاندن اجباری آن‌ها. از بذرهایی که از ورودشان ممانعت می‌شود تا قایق‌های ماهیگیری که در دریا هدف قرار می‌گیرند و ناوایی‌هایی که به اهداف نظامی تبدیل می‌شوند. هر عنصری در زنجیره غذایی، به جبهه‌ای در جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه این باریکه محاصره‌شده تبدیل می‌شود.

این استفاده نظام‌مند از غذا به عنوان سلاح، نوآوری جدیدی نیست، بلکه تداوم یک الگوی استعماری ریشه‌دار در طول تاریخ است. همان‌طور که پژوهش‌های معاصر در زمینه مطالعات «استعمار بیولوژیک» نشان می‌دهد،

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

کنترل بر منابع حیاتی، از غذا و آب گرفته تا بذرو خاک، همواره محوری اساسی در سازوکارهای سلطه استعماری در طول اعصار بوده است.

از محاسبه کالری تا بمباران نانوایی‌ها

قحطی اجباری کنونی در غزه، از بستر تاریخی طولانی‌مدت استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح در این باریکه محاصره‌شده جدا نیست. از زمان اعمال محاصره بر غزه در سال ۲۰۰۷، دو میلیون و سیصد میلیون فلسطینی تحت یک نظام سخت‌گیرانه کنترل غذا قرار گرفته‌اند. به گفته مقامات اسرائیلی، هدف این بود که ساکنان غزه را «تحت رژیم غذایی» قرار دهند؛ بدون آنکه اجازه دهند از گرسنگی بمیرند. این توازن دقیق میان زنده نگه‌داشتن و جلوگیری از شکوفایی، جوهره سیاست استعماری اسرائیل است.

به‌عنوان مثال، اسناد فاش‌شده اسرائیلی پیش از جنگ اخیر نشان می‌دهد که سیستم امنیتی این رژیم، محاسبات دقیقی برای تعیین تعداد کالری مورد

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

نیاز برای بقای فلسطینیان در غزه انجام داده بود؛ میزانی که تنها به زنده ماندنشان کمک کند و از حداقل لازم فراتر نرود. این معادله حساب‌شده غذایی، یادآور محاسبات مشابهی است که مقامات استعماری در طول تاریخ برای تعیین حداقل غذای لازم برای سرپا نگه‌داشتن کارگران (بردگان) انجام می‌دادند. در مزارع شکر کارائیب، صاحبان مزارع با دقت میزان غذای لازم برای زنده نگه‌داشتن «کارگران تحت نظام برده‌داری» را محاسبه می‌کردند تا قادر به کار باشند، اما بدون آنکه هزینه زیادی برای غذا صرف شود. امروز، همان معادله نژادپرستانه با ابزارهای پیشرفته‌تر و توجیهات «بشر دوستانه» به کار گرفته می‌شود.

این دیدگاه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا ارتش اشغالگر اسرائیل تنها به جلوگیری از ورود غذا به غزه اکتفا نکرده، بلکه زیرساخت‌های تولید غذا را نیز به‌طور نظام‌مند هدف قرار داده است: مزارع، کارخانه‌های مواد غذایی، نانواپی‌ها و حتی درختان زیتون. این تخریب نه تنها تولید کنونی را هدف گرفته، بلکه هدف آن تضمین عدم امکان بازیابی در آینده است. همانند

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

جنگ‌های استعماری تاریخی، نابود کردن توانایی ملت‌ها برای تأمین غذای خود، راهبردی «مؤثرتر» از کشتار مستقیم آن‌ها تلقی می‌شود. با همین منطق می‌توان توضیح داد که چرا نانوایی‌ها و مزارع با همان دقتی هدف قرار می‌گیرند که مواضع نظامی در این باریکه محاصره‌شده هدف گرفته می‌شوند.

میراث دوران قیمومت بریتانیا در فلسطین

در تاریخ فلسطین، تداوم الگوهای استعماری در قبال غذا به وضوح آشکار است. از دوران قیمومت بریتانیا تا اشغال اسرائیل، فلسطین شاهد تحولات بنیادینی در نظام کشاورزی و غذایی خود بوده که هر یک، اگرچه به شکلی متفاوت، اما در راستای یک پروژه استعماری یکپارچه عمل کرده‌اند. دوران قیمومت بریتانیا تنها به پایه‌گذاری قوانینی برای تعریف مجدد مالکیت زمین محدود نشد، بلکه شبکه‌ای پیچیده از مقررات را نیز بنیان نهاد که کشاورزی سنتی فلسطین را به نظامی تحت کنترل مدیریت مرکزی تبدیل کرد.

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

مطالعات نشان می‌دهد که «قانون بیماری‌های دامی»، که به قدرت استعماری حق کنترل بر عبور و مرور کالاها و حیوانات را می‌دهد، میراث مستقیم قوانین دوران قیمومت بریتانیا است که در سال ۱۹۶۲ در قوانین اسرائیل ادغام شد و تداوم آشکار مسیرهای قانونی استعماری را بازتاب می‌دهد. این قوانین صرفاً متون اداری نبودند، بلکه ابزارهایی برای بازتعریف رابطهٔ میان فلسطینیان و سرزمینشان بودند. اعمال نظام مجوزها، محدود کردن تردد حیوانات و محصولات کشاورزی، و تعیین نوع محصولات مجاز برای کشت، همگی اقداماتی بودند که با هدف از هم پاشیدن اقتصاد کشاورزی سنتی فلسطین و وابسته کردن آن به قدرت استعماری انجام شدند.

سلطهٔ اسرائیل بر نظام غذایی فلسطین تنها به جلوگیری از جریان غذا در زمان جنگ محدود نشده، بلکه شامل سیطره‌ای همه‌جانبه بر تمام مراحل تولید و توزیع بوده است. از بذرهایی که کشاورزان فلسطینی مجاز به استفاده از آن هستند تا روش‌های آبیاری در دسترس، فرآیندهای حمل‌ونقل و

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

بازاریابی، و در نهایت سفرهٔ فلسطینیان؛ همه چیز تحت کنترل اسرائیل قرار داشته است. بر اساس گزارش‌های ادارهٔ مدنی اسرائیل، فعالیت‌های این نهاد با اعمال محدودیت‌های شدید بر ورود محصولات فلسطینی به بازارها، به بهانهٔ «حفظ بهداشت عمومی و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها» گره خورده است. اما همان‌طور که مطالعات متعدد نشان می‌دهند، این توجیه «ریشه در تاریخ طولانی استفادهٔ استعماری از استدلال‌های پزشکی و علمی برای به حاشیه راندن و تحت انقیاد درآوردن دیگری دارد». فلسطینیان، حیوانات و گیاهانشان به عنوان منابع بالقوهٔ آلودگی نگریسته می‌شوند و این امر، اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر تردد و مبادلهٔ آن‌ها را توجیه می‌کند.

این نظام کنترلی، وضعیتی از وابستگی مطلق غذایی را برای فلسطینیان ایجاد کرده است. در حالی که توانایی آن‌ها برای تولید و بازاریابی محدود می‌شود، مجبور به تکیه بر کالاهای اسرائیلی برای تأمین نیازهای اساسی خود هستند. سبزیجات، میوه‌ها، گوشت و لبنیات، همگی از طریق ایست‌های بازرسی اسرائیل و تحت کنترل اشغالگران وارد بازارهای فلسطین

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

می‌شوند. بدین ترتیب، هر وعده غذایی فلسطینی، یادآور روزانه واقعت اشغال و پیامدهای آن است. این الگوی کنترل غذایی از تجربیات استعماری در قاره آفریقا جدا نیست؛ جایی که نظام‌های کشاورزی سنتی، متنوع و متوازن، به مزارع تک‌محصولی برای تولید پنبه، کاکائو و قهوه برای صادرات تبدیل شدند.

قحطی‌های ساختگی؛ درس‌هایی از تاریخ جهان

آنچه امروز در نوار غزه در استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی شاهد آن هستیم، پیشینه‌های تاریخی فاجعه‌باری دارد که الگویی ریشه‌دار در اقدامات استعماری را آشکار می‌کند. قحطی بزرگ سیب‌زمینی در ایرلند (۱۸۴۵-۱۸۵۲) نمونه بارزی از چگونگی استفاده از غذا به‌عنوان ابزار نسل‌کشی است. در حالی که سایر محصولات کشاورزی ایرلند برای کسب سود به انگلستان صادر می‌شد، یک میلیون ایرلندی از گرسنگی جان باختند و یک میلیون نفر دیگر مجبور به مهاجرت شدند. دولت بریتانیا صرفاً یک ناظر منفعل در این

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

تراژدی نبود، بلکه با سیاست‌های اقتصادی و اداری خود، نقشی فعال در تعمیق آن ایفا کرد. قوانین غلات بریتانیا از واردات غذای ارزان جلوگیری می‌کرد، در حالی که صادرات غذا از ایرلند ادامه داشت. همچنین، شرایط تحقیرآمیزی برای دریافت کمک‌های غذایی اعمال شد، از جمله وادار کردن ایرلندی‌ها به کار در پروژه‌های بی‌فایده در ازای سهمیه‌های ناچیز غذا.

در هند، این تراژدی در مقیاسی وسیع‌تر و با تکراری بیشتر روی داد. در دوران حکومت بریتانیا، هند شاهد بیش از بیست قحطی بزرگ بود که ده‌ها میلیون هندی را به کام مرگ کشاند. بدترین این قحطی‌ها، قحطی بنگال در سال ۱۹۴۳ رخ داد که باعث مرگ حدود سه میلیون نفر شد، در حالی که بریتانیا برای تأمین نیازهای جنگی خود در جنگ جهانی دوم غلات را از هند صادر می‌کرد. وینستون چرچیل، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، درخواست‌ها برای کمک‌های غذایی به هند را رد کرد و با طعنه‌ای نژادپرستانه گفت که قحطی «تقصیر خود هندی‌هاست، زیرا مانند خرگوش زاد و ولد می‌کنند». این اظهارنظر، ایدئولوژی استعماری را آشکار می‌کرد که به مردمان تحت استعمار

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

به‌عنوان جمعیت اضافی می‌نگرد که می‌توان آن‌ها را برای تأمین منافع امپراتوری قربانی کرد.

از این رو، غذا در طول تاریخ هرگز یک عنصر بی‌طرف در معادلات قدرت نبوده است. امپراتوری‌های استعماری، و در رأس آن‌ها بریتانیا، در هنر بازآفرینی نظام‌های غذایی در کشورهای تحت اشغال خود به استادی رسیده بودند و کشاورزی را از فعالیتی برای تأمین غذای مردم محلی، به ماشینی برای خدمت به اقتصاد امپراتوری تبدیل کردند. برای مثال، مایک دیویس در کتاب خود «هولوکاست‌های اواخر دوره ویکتوریا» نشان می‌دهد که چگونه قحطی‌های بزرگ در هند، چین و آفریقا در قرن نوزدهم، فجایع طبیعی نبودند، بلکه محصول سیاست‌های اقتصادی مشخص استعماری بودند. در حالی که غلات برای کسب سود از هند به بریتانیا صادر می‌شد، میلیون‌ها هندی در روستاهای مجاور انبارهای پر از غله، از گرسنگی جان می‌دادند؛ صحنه‌ای تراژیک که ماهیت واقعی استعمار را برملا می‌کند؛ استعماری که نه تنها منابع

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

را استثمار کرد، بلکه به سازماندهی مجدد کامل زندگی مردمان تحت استعمار پرداخت.

سیدنی مینتز، انسان‌شناس، در تلاش برای توصیف این تاریخ خونین قحطی، ردپای تبدیل شکر از یک کالای لوکس و کمیاب به عنصری اساسی در رژیم غذایی اروپاییان را دنبال می‌کند که به تأسیس «اقتصاد مزارع» منجر شد. این تحول تنها یک تغییر در ذائقه اروپایی نبود، بلکه یک انقلاب اقتصادی و اجتماعی واقعی بود که بر پایه بردگی میلیون‌ها آفریقایی بنا شد که به زور به مزارع آمریکای لاتین و کارائیب آورده شدند تا این «شیرینی سفید» را تولید کنند. مزارع شکر در برزیل و کارائیب تنها واحدهای تولیدی نبودند، بلکه آزمایشگاه‌هایی برای توسعه نظام‌های سرکوب و استثمار بودند. آفریقایی‌ها نه تنها برای نیروی کارشان، بلکه برای دانش سنتی کشاورزی‌شان نیز به کار گرفته شدند؛ دانشی که برای توسعه فنون کشت نیشکر در محیط‌های استوایی مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب، یک فنجان چای شیرین بر سر

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

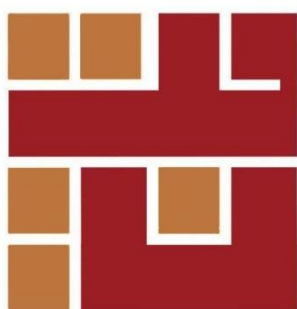
سفرهٔ یک انگلیسی، به نمادی از شبکهٔ پیچیدهٔ روابط استعماری تبدیل شد که سه قارهٔ اروپا، آفریقا و آمریکا را به هم پیوند می‌داد.

آلفرد کرازبی نیز در نظریهٔ نوآورانهٔ خود دربارهٔ «امپریالیسم زیست‌محیطی»، توضیح می‌دهد که چگونه مهاجم اروپاییان تنها به اشغال سرزمین‌ها و کنترل مرزهای سیاسی محدود نشد، بلکه یک مهاجم بیولوژیک تمام‌عیار را نیز در بر گرفت. بذره‌های اروپایی، حیوانات اهلی و حتی علف‌های هرز، همگی به بخشی از یک پروژهٔ استعماری بزرگ‌تر تبدیل شدند که هدف آن، بازآفرینی محیط‌های طبیعی و فرهنگی در قاره‌های جدید بود. دام‌های اروپایی که به قارهٔ آمریکا آورده شدند، نه تنها چشم‌انداز کشاورزی را تغییر دادند، بلکه اکوسیستم‌های محلی و نظام‌های تولید سنتی بومیان را نیز نابود کردند. گندم اروپایی به جای ذرت بومی کاشته شد و خوک‌های اروپایی به قیمت از بین رفتن حیوانات محلی تکثیر شدند. این مداخلهٔ عمیق بیولوژیک، نظام‌های غذایی کاملاً جدیدی را خلق کرد که بی‌طرف نبودند، بلکه در

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه |

خدمت منافع استعمارگران بودند و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را عمیق‌تر کردند.

سلاح گرسنگی: از تاریخ استعمار تا نسل‌کشی در غزه



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies